

گفتمان‌های سیاست خارجی آمریکا و دانش روابط بین‌الملل

حیدر علی مسعودی

شناسنامه پژوهشی

عنوان طرح‌نامه: سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل در آمریکا
پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه علمی: غرب‌شناسی
موضوع اصلی: سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل در آمریکا
موضوع فرعی: تبارشناسی روابط بین‌الملل
مدت انجام تحقیق: یک سال



گفتمان‌های سیاست خارجی آمریکا و دانش روابط بین‌الملل

حیدرعلی مسعودی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۸۲ شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

لیتوگرافی: چاپ و صحافی: بیدار

سرشناسه: مسعودی، حیدرعلی، ۱۳۶۰.

عنوان و نام پدیدآور: گفتمان‌های سیاست خارجی آمریکا و دانش روابط بین‌الملل /
حیدرعلی مسعودی؛

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.

شابک: ۴ - ۲۲۱ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: سیاست جهانی — ۱۹۸۹ م.

موضوع: ایالات متحده — روابط خارجی — ۱۹۸۹ م.

موضوع: ایالات متحده — سیاست و حکومت — ۱۹۸۹ م.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ردیف‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۷۵۷/م۸۴۰ E

ردیف‌بندی دیوبی: ۳۲۷/۷۳

شماره کتبخناسی ملی: ۳۱۱۷۳۳۴

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۳۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۵
فرضیات پژوهش	۱۹
هدف و اهمیت پژوهش	۲۰
پیامدهای نظری و عملی پژوهش	۲۲
سازماندهی پژوهش	۲۳
فصل اول: بررسی ادبیات موجود	۲۷
۱-۱. منابع درون رشته‌ای	۲۹
۱-۲. منابع برون رشته‌ای	۶۶
فصل دوم: روش‌شناسی	۱۵۷
۲-۱. تعریف گفتمان	۱۵۹
۲-۲. مراحل تحلیل گفتمان	۱۶۵
۲-۲-۱. مرحله اول: توصیف	۱۶۶
۲-۲-۲. مرحله دوم: تفسیر	۱۶۶
۲-۲-۳. مرحله سوم: تبیین متن	۱۶۷
۲-۳. روش اجرایی تحلیل	۱۷۱
۲-۳-۱. روش انتخاب متون	۱۷۱
فصل سوم: دوره بوش پدر؛ آمریکا کارگزار تغییر جهان	۱۷۵
۳-۱. متون رسمی سیاست خارجی	۱۷۹
۳-۱-۱. سخنرانی بوش در نشست ۴۵ مجمع عمومی سازمان ملل (اکتبر ۱۹۹۰)	۱۷۹

۱۸۸	 ۳-۱-۱-۱. نظم وازگانی
۱۸۸	 ۳-۱-۱-۲. بخش‌های معنایی
۱۹۱	 ۳-۱-۱-۳. تبیین متن
۱۹۲	 ۳-۱-۲. سخنرانی پوش در نشست ۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۱۹۹۲)....
۲۰۳	 ۳-۱-۲-۱. نظم وازگانی
۲۰۳	 ۳-۱-۲-۲. بخش‌های معنایی
۲۰۵	 ۳-۱-۲-۳. تبیین متن
۲۰۷	 ۳-۱. تحلیل گفتمان متن دانشگاهی
۲۱۱	 ۳-۲-۱. تحلیل گفتمانی متن
۲۱۱	 ۳-۲-۱. جفت‌های دوگانه متن
۲۱۴	 ۳-۲-۳. تحلیل اسنادی
۲۱۷	 ۳-۳. تناظر گفتمانی سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل
۲۱۷	 ۳-۳-۱. زمینه‌بندی متناظر
۲۱۸	 ۳-۳-۲. جفت‌های دوگانه متناظر
۲۱۹	 ۳-۳-۳. گزاره محوری متناظر
فصل چهارم: دوره کلیتون؛ پیشبرد تجارت و دموکراسی از طریق دیپلماسی و اجبار ۲۲۳	
۲۲۷	 ۴-۱. متون رسمی سیاست خارجی
۲۲۷	 ۴-۱-۱. سخنرانی کلیتون در نشست ۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۶ سپتامبر ۱۹۹۴)
۲۳۷	 ۴-۱-۱-۱. نظم وازگانی
۲۳۸	 ۴-۱-۱-۲. بخش‌های معنایی
۲۴۰	 ۴-۱-۱-۳. تبیین متن
۲۴۱	 ۴-۱-۲. سخنرانی کلیتون در نشست ۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶)
۲۵۰	 ۴-۱-۲-۱. نظم وازگانی
۲۵۱	 ۴-۱-۲-۲. بخش‌های معنایی
۲۵۲	 ۴-۱-۲-۳. تبیین متن
۲۵۳	 ۴-۱-۳. سخنرانی کلیتون در نشست ۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل (۳۱ سپتامبر ۱۹۹۸)
۲۶۲	 ۴-۱-۳-۱. نظم وازگانی
۲۶۲	 ۴-۱-۳-۲. بخش‌های معنایی
۲۶۳	 ۴-۱-۳-۳. تبیین متن
۲۶۵	 ۴-۲. تحلیل گفتمان متن دانشگاهی
۲۷۵	 ۴-۲-۱. جفت‌های دوگانه متن
۲۷۹	 ۴-۳. تناظر گفتمانی سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل
۲۷۹	 ۴-۳-۱. زمینه‌بندی متناظر

۴-۳-۲. جفت‌های دوگانه متناظر ۲۸۰

۴-۳-۳. گزاره محوری متناظر ۲۸۱

فصل پنجم: دوره بوش پسر؛ قدرت‌نمایی همه‌جانبه امپراتوری آمریکا. ۲۸۵

۵-۱. متون رسمی سیاست خارجی ۲۸۹

۵-۱-۱. سخنرانی بوش در نشست ۵۶ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۰ نوامبر ۲۰۰۱) ۲۸۹

۵-۱-۱-۱. نظم وازگانی ۲۹۸

۵-۱-۱-۲. بخش‌های معنایی ۲۹۸

۵-۱-۱-۲. جفت‌های دوگانه ۲۹۹

۵-۱-۱-۴. تبیین متن ۳۰۰

۵-۱-۲. سخنرانی بوش در نشست ۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳) ۳۰۱

۵-۱-۲-۱. نظم وازگانی ۳۱۰

۵-۱-۲-۲. بخش‌های معنایی ۳۱۰

۵-۱-۲-۳. تبیین متن ۳۱۲

۵-۱-۳. سخنرانی بوش در نشست ۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵) ۳۱۳

۵-۱-۳-۱. نظم وازگانی ۳۲۲

۵-۱-۳-۲. بخش‌های معنایی ۳۲۴

۵-۱-۳-۳. تبیین متن ۳۲۶

۵-۱-۴. سخنرانی بوش در نشست ۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷) ۳۲۷

۵-۱-۴-۱. نظم وازگانی ۳۳۵

۵-۱-۴-۲. بخش‌های معنایی ۳۳۶

۵-۱-۴-۳. تبیین متن ۳۳۸

۵-۲. تحلیل گفتمان متن دانشگاهی ۳۳۹

۵-۲-۱. جفت‌های دوگانه متن ۳۴۶

۵-۳. تناظر متون سیاست خارجی و دانش مسلط روابط بین‌الملل ۳۴۹

۵-۳-۱. زمینه‌مندی متناظر ۳۴۹

۵-۳-۲. جفت‌های دوگانه متناظر ۳۵۲

۵-۳-۳. گزاره محوری متناظر ۳۵۴

فصل ششم: دوره اوباما؛ چندجانبه‌گرایی ۳۵۷

۶-۱. متون رسمی سیاست خارجی ۳۶۱

۶-۱-۱. سخنرانی باراک اوباما در نشست ۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰) ۳۶۱

۶-۱-۱-۱. نظم وازگانی ۳۷۴

۶-۱-۱-۲. بخش‌های معنایی ۳۷۵

۶-۱-۱-۳. تبیین متن ۳۷۷

۳۷۹	۶-۲. تحلیل گفتمان متن دانشگاهی
۳۸۵	۶-۲-۱. جفت‌های دوگانه متن
۳۸۹	۶-۳. تناظر گفتمانی سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل
۳۸۹	۶-۳-۱. تناظر بینامتنی
۳۸۹	۶-۳-۲. جفت‌های دوگانه متناظر
۳۹۰	۶-۳-۳. گزاره محوری متناظر
۳۹۳	نتیجه‌گیری
۴۰۱	کتابنامه
۴۱۳	نمایه

پیشگفتار

رخداد بی نظیر انقلاب اسلامی ایران، در جهان دین گریز و دین ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان سکولار کردن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها محسوب می‌شود. هر چند اصلی‌ترین ثمره پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بوده، به‌طور حتم، بدون پایه‌ها و مبانی فکری استوار وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بوده است؛ به عبارت دیگر «انقلاب فکری» مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است؛ بنابراین پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز بدیهی بود که خواهان رشد و شکوفایی روزافزون گشت. از آنجا که چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین آوردگاه‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌گردد، نیازمند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی ویژه‌ای است. پس از پیروزی دهه اول به استقرار نظام و مقابله با توطئه جنگ سیری شد و فرصت اندیشه، بیشتر متمرکز در عرصه عمل و تجربه انقلابی گردید؛ از سوی دیگر شهدای دفاع مقدس موفق شدند فراتر از اندیشه‌ها راه‌هایی را کشف و پشت سر گذارند. در دهه دوم با پشت‌سر گذاشتن دفاع مقدس، دوران بازسازی کشور براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی آغاز شد و در این عرصه، رویارویی فرهنگی برجستگی خاصی یافت، امید به چالش‌گری فکری و فرهنگی از نیروهای متعهد و آگاه در پرتو اسلام، بستر ساز فعالیت‌هایی سازمان‌دهی شده در قالب مؤسسات پژوهشی گردید.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است، از زمان تأسیس (۱۳۷۳) پیوسته کوشیده با ترویج و تبیین مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای مؤثر، چالش‌های فکری و فرهنگی در برابر انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را مورد واکاوی دقیق قرار دهد.

این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده: حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، دانشنامه‌نگاری دینی و مرکز پژوهش‌های جوان تعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، از پنج گروه تشکیل شده است: «فرهنگ‌پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه». این سازمان می‌کوشد در راستای سامان‌دهی تأملات و کاوش‌ها در خصوص تحولات فرهنگی و اجتماعی، زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی و بومی را در مورد مسائل و مشکلات حوزه‌های یاد شده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛

۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته جهت احیا و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرایند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری - فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی

علمی دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و طرق اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار انتشار یافته و آرای مطرح شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

پژوهش حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب آقای حیدر علی محمودی هیأت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع نسبت میان سیاست خارجی آمریکا و دانش مسلط روابط بین‌الملل در این کشور بعد از جنگ سرد پرداخته است.

با وجود تحقیقات فراوانی که درباره تحول دانش روابط بین‌الملل در جهان به‌خصوص در سال‌های اخیر انجام گرفته است، جامعه علمی روابط بین‌الملل در ایران با بی‌اعتنایی از کنار این موضوع مهم گذشته است. اکثر استادان روابط بین‌الملل، روایت کهن و جاافتاده از سیر پیدایش و تحول دانش روابط بین‌الملل را پیش فرض گرفته و به دانشجویان منتقل می‌کنند و دانشجویان نیز انگیزه و رغبت چندانی به کاوش در مبانی و مادی این دانش از خود نشان نمی‌دهند. با وجود این، دو دیدگاه اصلی درباره تبارشناسی دانش روابط بین‌الملل وجود دارد: الف) دیدگاه افرادی مانند برایان اشمیت که تحول دانش روابط بین‌الملل را بر اساس مؤلفه‌های درونی آن توضیح می‌دهند و ب) دیدگاه افرادی مانند توماس بیرستکر که به نقش‌آفرینی مؤلفه‌های بیرونی در تحولات نظری روابط بین‌الملل اذعان دارند. این تحقیق بیشتر به دیدگاه دوم متمایل است و پژوهش خود را بر اساس این پارادایم فکری سامان داده است.

موضوع این پژوهش نسبت‌سنجی میان سیاست خارجی و دانش مسلط روابط بین‌الملل در آمریکا بعد از جنگ سرد است و بر آن است تا با تحلیل گفتمانی متون دست اول سیاست خارجی آمریکا و نیز جریان اصلی تحقیقات روابط بین‌الملل در این کشور بعد از جنگ سرد، نوعی تناظر گفتمانی بین این دو دسته متون را نمایان سازد. این تناظر گفتمانی در قالب جفت‌ها، زمینه‌مندی‌ها و گزاره‌های متناظری نشان داده شده‌اند که تحکیم‌بخش هژمونی غرب‌اند.

در پایان، بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق ارجمند، قدردانی و تشکر کنیم. همچنین از اعضای محترم شورای علمی گروه غرب‌شناسی به‌ویژه آقایان دکتر سیدمحمدکاظم سجاده‌پور و دکتر منوچهر محمدی که با ارائه دیدگاه‌های ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، چاپ و انتشار این اثر بوده، کمال سپاس و امتنان را داریم.

گروه غرب‌شناسی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

مقدمه

دانش روابط بین‌الملل یکی از منظومه‌های فکری غرب است که به موازات تحولات بین‌المللی، طی یک قرن گذشته فراز و نشیب‌های فراوانی را به خود دیده است. سنگ بنای نظام دولت - ملت به قرارداد وستفاليا در سال ۱۶۴۸ میلادی باز می‌گردد؛ اما تلاش بشر برای تولید دانش منسجمی که به‌طور خاص به مسائل بین‌المللی بپردازد، حدود یک قرن پیش آغاز شده است.

بر اساس برداشت متداول، ظهور رشته روابط بین‌الملل به‌عنوان شاخه‌ای مجزا از دانش بشری، بعد از جنگ جهانی اول مدیون تلاش‌های نظری واقع‌گرایان^۱ برای زیر سؤال بردن جزم‌انگاری هنجاری و توهم نظری آرمان‌گرایان^۲ است. دو متفکر پیشتاز؛ یعنی ای‌اچ کار^۳ و هانس مورگنتا^۴ در

1. Realism

2. Idealism.

۳. ادوارد هالت کار (Edward Hallett Carr) ۱۸۹۲-۱۹۸۲ مورخ، روزنامه‌نگار و دانشمند انگلیسی روابط بین‌الملل کتاب *بحران بیست‌ساله* ۱۹۴۶ او را می‌توان نقد کوبنده دیپلماسی آرمان‌گرایانه غرب در فاصله دو جنگ جهانی دانست. این کتاب به پرورش نظریه روابط بین‌الملل به‌عنوان مباحثه‌ای میان واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان کمک کرد (مارتین گریفیتس؛ *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*؛ ص ۷۵۳).

۴. هانس مورگنتا (Hans Morgenthau) ۱۹۰۴-۱۹۸۰ نظریه‌پرداز آمریکایی آلمانی تبار و استاد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی که وی را مرشد اعظم روابط بین‌الملل و معروف‌ترین

پیدایش این دانش سهم بسزایی داشته‌اند. در کتاب *بحران بیست‌ساله* اثر ای‌اچ کار، واقع‌گرایی؛ پایان مرحله آرمان‌گرایی و خیال‌پردازی در روابط بین‌الملل است و سبب شکل‌گیری علم روابط بین‌الملل. مورگنتا، اندیشمند آلمانی تبار در کتاب *سیاست*، میان ملت‌های خود صورت نظم‌یافته‌ای از مطالعات بین‌المللی را ارائه نموده است. اگرچه از نظر برخی محققان اروپا مهد رشته روابط بین‌الملل است،^۱ اما در واقع شرایط خاص ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، زمینه شکوفایی رشته روابط بین‌الملل را فراهم کرد. از جمله این شرایط خاص می‌توان به پیشرفت علم، فناوری و تسری دستاوردهای آن در علوم اجتماعی، ترغیب تفکر کاربردی و مهم‌تر از همه مهاجرت دانشمندان تبعیدی به آمریکا؛ مانند مورگنتا، ولفرز،^۲ دویچ،^۳ هاس^۴ و کیسینجر^۵

اندیشمند واقع‌گرایی در سده بیستم می‌دانند. او کوشید بر پایه‌های فلسفی اصول واقع‌گرایانه سرشت بشر، توازن قدرت و نقش اخلاق در سیاست خارجی نظریه جامعی درباره سیاست قدرت در اندازد. کتاب *سیاست میان ملت‌های او* را می‌توان هنوز هم اسلوب‌مندترین تلاشی دانست که برای به کارگیری اصول واقع‌گرایی در بنای نظریه تجربی، درباره سیاست بین‌الملل صورت گرفته است. (همان، ص ۹۳۵-۹۳۷).

۱. محققان مختلف از کرسی مطالعات بین‌المللی در دانشگاه ابرسویث ولز، مؤسسه استعماری در هامبورگ، جامعه ملل در پراگ، مؤسسه ژنو، چیم هاوزن در لندن و شورای روابط خارجی در نیویورک به‌عنوان نخستین مراکز شکل‌گیری دانش روابط بین‌الملل یاد می‌کنند. برای مثال: ر.ک به:

Knud Erik Jorgensen, "Continental IR Theory: The Best Kept Secret" و Schmidt, Brian; "the history and historiography of IR", p. 4.

2. Arnold Wolfers.

۳. کارل دویچ (Karl W. Deutsch) ۱۹۱۲-۱۹۹۲ در چکسلواکی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۳۸، به آمریکا مهاجرت کرد. شهرت او بیش از همه مرهون دیدگاه‌های نوآورانه او درباره ملی‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای و همچنین، پشت‌آزمایش در بررسی‌های دقیق تجربی در روابط بین‌الملل است (همان، ص ۵۱۹-۵۲۳).

۴. ارنست هاس (Ernst Haas) ۱۹۲۱-۱۹۸۶ از جمله دانشمندان روابط بین‌الملل است که در

اشاره کرد.^۲

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، برای پیشبرد امور بین‌المللی خود استفاده شایانی از محصولات دانش روابط بین‌الملل به عمل آورد؛ به‌گونه‌ای که روابط بین‌الملل مترادف مطالعه سیاست خارجی آمریکا محسوب گشت. این روند تطابقی به‌گونه‌ای پیش رفت که مسائل سیاست خارجی آمریکا از جمله: روش‌های مهار منازعات بین‌المللی، اصول توازن قوای اتمی، مفهوم وابستگی متقابل و بازسازی نهادهای بین‌المللی پس از فروپاشی نظام Bretton Woods، به موضوعات اصلی نظریه‌پردازی بدل شد؛ به‌نحوی که امروز امواج نظری روابط بین‌الملل بر این اساس شناخته می‌شوند. رابطه نظریه و عمل روابط بین‌الملل در آمریکا محدود به تقاضای دنیای سیاست‌گذاری و عرضه دنیای آکادمی نبود. ادغام نهادی این دو عرصه طی دو مرحله انجام شد. در مرحله اول یعنی دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰ م دانشگاهیان تنها نقش مشاور مدعو را در سازمان‌ها و نهادهای دولتی برعهده داشتند. اما در مرحله دوم از دهه ۱۹۶۰ به بعد دانشگاهیان در عمل نقش دستیار و همکار را در این نهادها عهده‌دار شدند. Stanley Hofmann این پدیده را ارتباط مطبخی‌های قدرت و تالارهای دانشگاهی

←

سال ۱۹۳۸ به آمریکا مهاجرت کرد و از سال ۱۹۷۳ استاد دانشگاه برکلی شد. ویژگی اصلی تحقیقات او، رعایت دقیق ملاک‌های روش‌شناسی تجربی همراه با پایبندی به امکان همکاری فزون‌تر میان دولت‌هاست (همان، ص ۱۰۷۲-۱۰۷۵).

۱. هنری کیسینجر (Henry Kissinger) ۱۹۲۳ نظریه‌پرداز آلمانی‌الصل سیاست خارجی و وزیرخارجۀ آمریکا ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷. وی معمار اصلی سیاست تنش‌زدایی در اوایل دهه ۱۹۷۰ همکاری با چین و دیپلماسی رفت و برگشتی به خاورمیانه بود. دوره وزارت او را می‌توان دوره اجرای رویکرد واقع‌گرایانه در هدایت سیاست خارجی آمریکا دانست. او مانند اکثر واقع‌گرایان بر تمایز سیاست عالی، یعنی مسائل نظامی و سیاست عادی؛ یعنی تجارت و اقتصاد پافشاری می‌کند (همان، ص ۸۰۱-۸۰۶).

۲. برای بحث بیشتر درباره سیر تکاملی دانش روابط بین‌الملل رک به: حیدرعلی مسعودی؛ تحول رشته روابط بین‌الملل: از هژمونی آمریکایی تا بسترهای دانش جهانی.

می‌نامد. وضعیت دانشگاه‌ها نیز به‌گونه‌ای بود که اجازه این پیوستگی را می‌داد. گسترش کمی آموزش روابط بین‌الملل، تنوع و تخصص نهادینه در دانشگاه‌ها به‌خصوص جدایی دپارتمان‌های روابط بین‌الملل از حقوق و تاریخ و انعطاف‌پذیری محیط‌های علمی، شرایط پیوند دانشگاه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری آمریکا را فراهم کرد.^۱

با اتکا به این پیشینه تاریخی، معضل و مسئله اصلی این کتاب رابطه سیاست خارجی آمریکا و دانش مسلط روابط بین‌الملل در این کشور در دو دهه گذشته است؛ به عبارت دیگر سؤال اصلی این پژوهش این است: رویه‌های سیاست خارجی آمریکا و رویه‌های دانش مسلط روابط بین‌الملل در این کشور در دو دهه گذشته چه رابطه معناداری با یکدیگر داشته‌اند؟ در اینجا به‌عمد از واژه «تأثیر» یکی از این مؤلفه‌ها بر دیگری استفاده نشده است؛ چراکه واژه «تأثیر» بار معنایی اثبات‌گرایانه دارد و این تحقیق به دلیل روش تحلیل گفتمانی که در پیش گرفته است، در صدد نیست تأثیرگذاری علی و رابطه تبیینی این دو مؤلفه را نشان دهد؛ بلکه هدف اصلی این پژوهش این است که نقش گفتمان‌های سیاست خارجی و گفتمان‌های مسلط علمی روابط بین‌الملل را در نضج و گسترش یکدیگر نشان دهد.

این پژوهش، در قالب سؤال اصلی خود، یعنی «چگونگی رابطه آمریکا و دانش روابط بین‌الملل» بر آن است به سؤالات فرعی از این دست پاسخ دهد که: آیا مفاهیم، گرایش‌ها، مناظرات و مکاتب روابط بین‌الملل در پیوند با منافع ملی و جهانی آمریکا شکل گرفته‌اند؟ آیا روابط بین‌الملل جدای از التزامات و پیوندهای نظری خود با سیاست خارجی آمریکایی، از چارچوب مستقل و مورد توافقی برای شناخت امر بین‌المللی برخوردار است؟ دانش روابط بین‌الملل چه پیوندها؟ از گفتمان‌ها و رویه‌های رفتاری آمریکا در داخل و خارج دارد؟ آیا نسبت معناداری بین گفتمان‌های سیاست خارجی و دانش

مسلط روابط بین‌الملل در آمریکا وجود دارد؟ این نسبت چگونه است؟ آیا قبض و بسط‌های نظری در روابط بین‌الملل ربط وثیقی با رخداد‌های بین‌المللی قرن اخیر آمریکا دارند؟

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش با توجه به سؤالات یادشده، این‌گونه مطرح می‌شود: گفتمان‌های سیاست خارجی و گفتمان‌های مسلط علمی روابط بین‌الملل در آمریکا طی دو دهه گذشته از تناظر گفتمانی برخوردار بوده‌اند. منظور از گفتمان‌های سیاست خارجی آمریکا نظام‌های دلالتی خاصی هستند که رویه‌های سیاست خارجی آمریکا را طی دو دهه گذشته معنادار کرده‌اند. منظور از گفتمان‌های مسلط علمی روابط بین‌الملل آمریکا، نظام‌های دلالتی اصلی هستند که رویه‌های شناختی معنی را در یک دوره زمانی خاص تولید و به‌عنوان روایت واقعی از امر بین‌الملل بازنمایی می‌کنند و درپایان منظور از تناظر گفتمانی نشان‌دادن نقاط پیوند یا مفصل‌بندی گفتمان‌های مختلف است. در این پژوهش، این تناظر گفتمانی با استفاده از معیارهای عینی‌تری نظیر زمینه‌مندی متناظر، جفت‌های دوگانه متناظر و گزاره اصلی متناظر، نشان داده شده است.

«فرضیه رقیب» این پژوهش این است که «دانش مسلط روابط بین‌الملل در آمریکا صرفاً محصول گفتمان‌های نظری علوم اجتماعی در این کشور است». این فرضیه را می‌توان شبیه‌ای دانست ناظر بر اینکه علوم انسانی به‌طور عام و روابط بین‌الملل به‌طور خاص دانش‌های تهی از ارزش‌های ذهنی و منافع عینی داندگان آن است گمان می‌رود دانش روابط بین‌الملل اگرچه در آمریکا به وجود آمده است، اما مفاهیم و مکاتب آن زاییده اذهان نظریه‌پردازان بی‌طرفی است که بر اساس قواعد مشخص علمی نظریه‌پردازی کرده‌اند. دانش روابط بین‌الملل در این نحوه تلقی، کاملاً بریده و گسسته از بستری عملی — سیاسی تصور می‌شود که در آن رشد و گسترش یافته است. نتیجه منطقی این شبیه

فکری رایج این است که گزاره‌های نظری علوم اجتماعی را از هر بستر عملی که برخاسته‌اند، می‌توان در هر بستر عملی دیگری نیز به کار بست و انتظار همان نتایج عملی را از آن داشت؛ بنابراین اگر این پژوهش بتواند در توجیه ادعای اصلی خود یعنی تناظر رویه‌های سیاسی - علمی روابط بین‌الملل در آمریکا موفق شود، فرضیه رقیب - که گزاره‌های علمی روابط بین‌الملل صرفاً گزاره‌های علمی و بی‌طرفی‌اند که برکنار از بسترهای ارزشی، هویتی و موقعیتی خود است - به دست فراموشی سپرده می‌شود. در واقع جنبه نقادانه این پژوهش نیز در همین نکته نهفته است؛ چراکه این اثر تاریخی‌بودن و موقعیت‌مندی گزاره‌های علمی روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد و از این طریق بخشی از اقتدار علمی این گزاره‌های نظری را با تردید مواجه می‌کند. این پژوهش، تلاش کرده تا به نقد روشمند گزاره‌های علمی روابط بین‌الملل بپردازد.

هدف و اهمیت پژوهش

هدف این پژوهش، گشودن عرصه جدید تحقیقات روابط بین‌الملل در ایران؛ یعنی سیر تحول دانش روابط بین‌الملل در نسبت با مؤلفه‌های بیرونی مخصوصاً حوزه عمل سیاسی به‌عنوان نخستین گام در مسیر پرورش تفکر بالنده علمی در کشور است. در سال‌های اخیر، علوم انسانی و اجتماعی مورد توجه جدی‌تر مراکز سیاست‌گذاری قرار گرفته و هر محقق دغدغه‌مندی را به بررسی و کاوش در ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری این رشته‌های علمی، فراخوانده است. اهمیت این پژوهش در این است که می‌تواند زمینه‌های مشترک گفتمان‌های رسمی - علمی روابط بین‌الملل در آمریکا را نشان دهد و از این طریق، استادان دانشگاه و سیاست‌گذاران خارجی کشور را به تقویت بسترهای مشترک بین نظریه و عمل روابط بین‌الملل در ایران راغب کند.

نوآوری پژوهش

سهم این کتاب در غرب‌شناسی آن است که بر اساس یک کار گفتمانی - تاریخی نشان می‌دهد مؤلفه‌های هویت غربی، عناصر مفصل‌بندی متون سیاست خارجی و دانش مسلط روابط بین‌الملل در آمریکا را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر گفتمان‌های رسمی و علمی روابط بین‌الملل در آمریکا - آن‌گونه که در این تحقیق دسته‌بندی و گزینش شده‌اند - در تفکیک ارزش‌گذارانه غرب و غیر غرب به یکدیگر می‌پیوندند؛ یعنی آنچه حوزه مشترک متون رسمی و علمی روابط بین‌الملل در آمریکا را تشکیل می‌دهد، بنانهادن این متون بر ارزش‌های غربی در مقابل ارزش‌های غیر غربی است.

این کتاب علاوه بر غایت غرب‌شناختی‌اش، از دو بعد موضوعی و روشی در ایران و بعد روشی در سطح جهان، ادعای نوآوری دارد. درباره نوآوری موضوعی باید گفت که تحقیقات روابط بین‌الملل در ایران مطلقاً به موضوع نسبت دانش روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا نپرداخته‌اند.^۱ البته اخیراً چند مقاله مرتبط با تحول رشته روابط بین‌الملل تألیف،^۲ یا ترجمه شده است،^۳ اما تحقیق مستقلی که به صورت خاص به این مسئله پرداخته باشد وجود ندارد؛ بنابراین موضوع این پژوهش در ایران، موضوعی کاملاً بی‌پیشینه است، اما در عرصه جهانی، محققانی چون استنلی هافمن، کال هالستی، برایان اشمیت، استیو اسمیت و اولی ویوور به موضوع تحول رشته روابط بین‌الملل به عنوان حوزه مطالعاتی مجزا و نسبت آن با تحولات سیاست جهانی پرداخته‌اند.^۴ اما

۱. در این زمینه دو نوشته وجود دارد. رک به: پاتریک کالاهان؛ *منطق سیاست خارجی آمریکا*؛ نظریه‌های نقش جهانی آمریکا؛/ حیدرعلی مسعودی؛ *تحول رشته روابط بین‌الملل*؛ از هژمونی آمریکایی تا بسترهای دانش جهانی.

۲. حمیرا مشیرزاده؛ *تحولات جدید نظری در روابط بین‌الملل*؛ زمینه مناسب برای نظریه‌پردازی بومی؛ ص ۱۶۵-۲۰۴.

۳. رک به: عبدالعلی قوام و...؛ *نظریه روابط بین‌الملل*؛ پیشینه و چشم‌انداز.

4. Stanley Hoffman; 'An American Social Science: International Relations'; pp. 41-59.

نوآوری روشی پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات قبلی این است که با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و مراجعه به متون دست اول سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل در آمریکا سعی کرده است رابطه قدرت و دانش را در عرصه روابط بین‌الملل، مبتنی بر یک پژوهش روشمند نشان دهد. تحقیقات پیشین در این زمینه یا گفتمانی نبوده‌اند و یا به متون دست اول مراجعه نکرده‌اند. روشمندی این پژوهش گفتمانی از این جهت حائز اهمیت است که در عرصه تحقیقات گفتمانی نوعی مقاومت نسبت به امکان پژوهش تجربی روشمند وجود دارد و حتی ادعا می‌شود که تحقیقات گفتمانی در تمایز با روش‌های متعارف علمی نضج می‌گیرند و تحقیقات گفتمانی روشمند نقض غرض است. از دیدگاه نویسنده، ورود به مباحث روش‌شناختی و کاربری تحلیل گفتمان تناقضی با بررسی روشمند متون مشخص ندارد و یکی از عوامل ناپختگی و مهجوریت تحقیقات گفتمانی - جدای از پیچیدگی آن - در ایران، نفی روشمندی علمی با ژست گفتمانی است.

پیامدهای نظری و عملی پژوهش

پیامد نظری فرضیه اصلی این پژوهش از این قرار است:

۱. می‌توان حقانیت نظری و وجاهت علمی گزاره‌های معرفتی غرب در

←

Kal L. Holsti, *The Dividing Discipline: Hegemony and Diversity in International Theory*, Ole Waever, "The Sociology of a Not So International Discipline: American and European Developments in International Relations"; pp. 687-727. Steve Smith; "The United States and Discipline of International Relations: 'Hegemonic country, Hegemonic discipline'"; pp. 67-85. Brian Schmidt; "The Historiography of Academic International Relations"; pp.433-459. Brian Schmidt; *The political discourse of anarchy: a disciplinary history of IR*. Brian Schmidt; "the history and historiography of IR" in Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons; eds. *Handbook of International Relations*.

حوزه روابط بین‌الملل را مورد تردید قرار داد.

۲. از امکان گشودن چشم‌اندازهای جدید در این حوزه و از دانش بشری سخن گفت.

همچنین پیامد عملی پژوهش این است که اگر علم کنونی روابط بین‌الملل ماهیتی موقعیت‌مند، سیاسی، هویت‌محور و توجیه‌گراانه دارد، تلاش برای گذار از این بی‌بست‌های موقعیتی، سیاسی و هویتی می‌تواند چراغ راه آینده دانش روابط بین‌الملل در ایران باشد.

سازمان‌دهی پژوهش

در فصل اول ادبیات موجود مورد بررسی قرار گرفته و حوزه‌های نظری نزدیک به موضوع پژوهش در دو دسته منابع مرور شده است: الف) منابعی که به دانش روابط بین‌الملل به‌عنوان یک رشته علمی پرداخته‌اند.

ب) منابعی که رابطه این دانش را با مؤلفه‌های بیرون از خود این دانش، بررسی کرده‌اند. این مرور نشان می‌دهد اگرچه منابع پیشین می‌توانند چارچوب نظری پژوهش را سامان دهند، اما خلأ مطالعاتی گفتمانی سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل در آمریکا همچنان وجود دارد.

در فصل دوم، روش تحلیل گفتمان و منطق انتخاب متون شرح داده شده و متدهای پژوهشی نورمن فرکلایف - که یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل گفتمان است - در این فصل آمده است. منطق انتخاب متون نیز با تأکید بر متون اصلی و مرجع بیان شده است.

در فصل سوم، تناظر گفتمانی سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل در آمریکا در دوره بوش پدر ۱۹۹۳-۱۹۸۹ نشان داده شده و در ضمن آن ابتدا متن دو سخنرانی بوش در مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۰ و

۱۹۹۲ و سپس مقاله معروف الکساندر ونت^۱ مورد بررسی گفتمانی قرار گرفته است. بررسی مقایسه‌ای این متون رسمی و علمی نشانگر سلطه گفتمان تغییرطلبی آمریکا در عرصه جهانی پس از فروپاشی اتحاد شوروی است.

در فصل چهارم، ابتدا دوره بیل کلینتون ۱۹۹۳-۲۰۰۱ مورد واکاوی قرار گرفت. سپس با بررسی متن سخنرانی‌های کلینتون در مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، و ۱۹۹۸ و نیز مقاله آندرو موراوچیک در خصوص نظریه لیبرال روابط بین‌الملل^۲ نشان داده می‌شود که تناظر گفتمانی متون این دوره حول پیشبرد تجارت از طریق دیپلماسی و اجبار شکل گرفته است.

فصل پنجم، به دوره بوش پسر ۲۰۰۱-۲۰۰۹ اختصاص دارد. در این فصل، سخنرانی‌های بوش در مجمع عمومی در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ و نیز مقاله بارت و دووال درباره مفهوم قدرت^۳ مورد بررسی گفتمانی قرار گرفته است. همچنین، بیان می‌شود که نمایش قدرت همه‌جانبه امپراتوری آمریکا در جهان، حوزه تناظر مشترک گفتمان‌های رسمی - علمی روابط بین‌الملل آمریکا را تشکیل می‌دهد.

در فصل ششم، دوره اوباما، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا ۲۰۰۹ تا کنون بررسی گردیده و سخنرانی اوباما در مجمع عمومی در سال ۲۰۱۰ و مقاله کوهن، ماکدو و موراوچیک^۴ مورد بررسی قرار گرفته است. تناظر گفتمان‌های رسمی و علمی این دوره را باید حول و حوش مفهوم چندجانبه‌گرایی دانست.

1. Alexander Wendt; "Anarchy is what states make of it: The Social Construction of Power Politics"; pp. 391-425.

2. Andrew Moravcsik; "Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory of International Politics"; pp. 513-553.

3. Michael Barnett and Raymond Duvall; "Power in International Politics"; pp. 39-75.

4. Robert O. Keohane, Stephen Macedo, and Andrew Moravcsik; "Democracy - Enhancing Multilateralism"; pp. 1-31.